

فساد سیاسی

و

ضعف دیوانسالاری

گفت وگو با مترجمان کتاب فساد سیاسی

فرونوش امیرشاهی



○ فساد سیاسی

○ پل هیوود

○ محمد طاهری و میرقاسم بنی هاشمی

○ پژوهشکده مطالعات راهبردی

○ ۱۳۸۰، ۵۱۱ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۳۰۰ تومان

موضوع کتاب فساد سیاسی درباره چیست؟

این کتاب به توصیف، تبیین و تحلیل چیستی - چگونگی و چرایی - انحرافات موجود در عالم سیاست می‌پردازد. در واقع نویسنده کتاب از فسادی صحبت می‌کند که در ارکان تقنینی، اجرایی و قضایی سیاست راه پیدا کرده باشند.

چه نیازی به ترجمه کتابی در این حوزه احساس کردید؟

در ادبیات سیاسی و فرهنگ عمومی ما، وقتی صحبت از فساد می‌شود بیشتر مواقع ذهن به مسائل اخلاقی و اجتماعی معطوف می‌شود و حداکثر اینکه مانند پرونده‌هایی که به تازگی در دادگستری مفتوح است، مسائل اقتصادی جلب توجه می‌کند. بنابراین ضرورت غنابخشی به این بخش از ادبیات سیاسی کشورمان احساس می‌شد و ما را بر آن داشت که به ترجمه در این زمینه مبادرت کنیم.

صرف نظر از باریک‌بینی‌های نظری چه تعریف ساده و روشنی می‌توان از

فساد سیاسی ارائه کرد؟ به عقیده شما، عمده‌ترین شکل‌های آن چیست؟ در عبارتی کوتاه و گویا، فساد سیاسی عبارت از استفاده از قدرت سیاسی در

کتاب فساد سیاسی نوشته پل هیوود از جمله آثار جامع فکری است که مجموعه مقالات آن: «فساد سیاسی» را در رشته‌های مختلف علمی بررسی کرده است.

این کتاب، توسط «محمد طاهری» و «سیدقاسم بنی هاشمی» که هر دو دانش آموخته «علوم سیاسی» در مقطع کارشناسی ارشدند ترجمه شده است.

مقوله «فساد سیاسی» به عنوان یکی از واقعیت‌های پایدار زندگی اجتماعی و سیاسی از ابعاد مختلفی قابل بررسی است.

به عقیده مترجمان این کتاب، شناخت، تحلیل و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری یا کاهش مفاسد سیاسی در هر جامعه‌ای، مستلزم آشنایی با ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاص آن جامعه است. غفلت از آنها راهبردهای مقابله با فساد را به یک سری مباحث سطحی و مقطعی قضایی، تقلیل می‌دهد.

به بهانه کتاب فساد سیاسی که از سوی پژوهشکده مطالعات راهبردی منتشر شده است، با مترجمان این اثر گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید:

جهت دستیابی به منافع شخصی یا هرگونه سوءاستفاده و بهره‌برداری غیرقانونی از امکانات اولیه و ثانویه حاصل از قدرت سیاسی است. فساد سیاسی شقوق مختلفی دارد: از پرداخت رشوه‌های کلان در کسب موافقت اصولی‌های عمده یا تخصیص امتیاز ویژه به خود، خویشاوندان و دوستان تا پرداخت پول و چای و شیرینی؛ از استقرار صنعت و تکنولوژی در منطقه‌ای نامساعد از طریق اعمال نفوذهای مختلف به جای بنا نهادن آن در منطقه مستعد تا جابجایی‌های کوچک شغلی، فنی، حرفه‌ای و... از اعمال نفوذ در تصویب قوانین، تدوین آیین‌نامه و صدور بخشنامه تا صدور رأی در انتخابات، و نیز از صدور آراء و احکام جهت‌دار قضایی تا عفو محکومان به مجازات‌های سنگین و... طیف گسترده‌ای را می‌توان مدنظر قرار داد.

پیش از این در قالب نظریه «نوسازی»، صاحب‌نظرانی همچون «ساموئل هانتینگتون»، «دیوید پیل»، «جی.اس. نای»، «کارکردهای مثبتی برای فساد در جوامع در حال توسعه قائل بودند. آیا هنوز هم صاحب‌نظران مانند دهه ۶۰، از کارکردهای اقتصادی و سیاسی فساد تعریف می‌کنند؟ یا آنکه عوارض بازدارنده این پدیده را در توسعه برجسته کرده‌اند؟ فایده‌گرایان و کارکردگرایان که به نتیجه عمل می‌اندیشند نسبت به فساد سیاسی لزوماً نگاه منفی ندارند. آنها تأکید دارند که فساد سیاسی در بعضی شقوق، اثرات مثبت داشته و نباید پیشداوری‌های منفی، نسبت به آن غالب شود. دلایلی که این افراد، درباره نظریه خود ارائه می‌دهند شامل موارد مختلفی است: از جمله اینکه آنها معتقدند امور اداری و دیوانسالاری در اکثر کشورها به ویژه جهان سوم با کندی خاصی پیش می‌رود و برای سرعت بخشیدن به گردش چرخ‌دنده‌های بوروکراسی، چاره‌ای جز این نیست که گریس‌کاری‌هایی صورت گیرد، بنابراین گاهی اوقات یک هدیه ناقابل و یا سفارش از جایی خاص، می‌تواند بر سرعت پیشرفت امور بیفزاید.

بسیاری فساد سیاسی را در چارچوب تحلیلی از پویایی‌های سیاسی یک نظام بررسی می‌کنند. به تعبیر «اسکات» اثر طبیعی‌تر فساد این است که ائتلاف محافظه‌کاران با همدیگر را مستحکم ساخته و جلوی تأثیرگذاری مطالبات فزاینده اجتماعی را می‌گیرد. به گفته «واترپوری»، کار ویژه فساد این است که منابع، صرف حمایت‌های مالی در راستای منافع رژیم شده و در نتیجه حفظ و بقا نظام را در پی خواهد داشت. باید به این نکته نیز اذعان داشت که علی‌رغم مدنظر قرار دادن

بعدهای مثبت فساد در دستگاه اداری، این متفکرین بر این امر واقف‌اند که آثار فساد همیشه سودمند نیست. «تیوبالد» و حتی «هانتینگتون» نیز تأکید دارند که فساد سیاسی به طور طبیعی به ضعف دیوانسالاری و حکومت، گرایش دارد. براساس تجربیات کشورهای که در این کتاب از آنها یاد شده، چه راه‌هایی برای مبارزه با فساد سیاسی قابل توصیه است.

فساد، غالباً در حوزه‌ها و موقعیتهایی رواج یافته یا شدت می‌یابد که تفکیک بین حوزه‌های عمومی و خصوصی شفاف نبوده و قانون وجود نداشته یا روشن و صریح نباشد. تجربه نشان می‌دهد که برای مبارزه با فساد سیاسی (به خاطر بین‌رشته‌ای بودن مفهوم آن)، باید اقدامات هم‌زمان و مختلفی از منظرها و رویکردهای گوناگون انجام داد. اما این مسئله بیش از همه توجه اقتصاددانان

و حقوق‌دانان را به خود جلب کرده است. در حوزه اقتصادی بر باز بودن عرصه عمومی برای همگان، دادن آزادی فعالیت و فرصت برابر به عموم، ایجاد رقابت کامل و نیز انحصارزدایی و مشارکت یکسان تأکید می‌شود. در حالی که حقوقدانان بر «قانون» به عنوان میثاق و منشور تعیین تکلیف زندگی اجتماعی تأکید دارند. به عقیده آنان نباید هیچ عرصه‌ای از عرصه‌های اجتماعی را خالی از قانون گذاشت. همچنین قانونی باید مبنای عمل قرار گیرد که شفاف و صریح بوده و در راستای رفع نیازهای اجتماعی و برآورنده مطالبات عمومی باشد. مورد دیگری که حقوق‌دانان بر آن تأکید دارند نظارت کافی و وافی بر اجرای قانون برای به حداقل رساندن تخلفات است.

البته این نظارت لزوماً حکومتی یا دولتی نیست بلکه نظارت بهینه و

فساد سیاسی شقوق مختلفی دارد:

از پرداخت رشوه‌های کلان در کسب موافقت اصولی‌های عمده

یا تخصیص امتیاز ویژه به خود، خویشاوندان و دوستان

تا پرداخت پول و چای و شیرینی؛

از استقرار صنعت و تکنولوژی در منطقه‌ای نامساعد

از طریق اعمال نفوذهای مختلف به جای بنا نهادن آن

در منطقه مستعد تا جابجایی‌های کوچک شغلی،

فنی و حرفه‌ای

فساد، غالباً در حوزه‌ها و موقعیتهایی رواج یافته

یا شدت می‌یابد که تفکیک بین حوزه‌های عمومی

و خصوصی شفاف نبوده و قانون وجود نداشته

یا روشن و صریح نباشد

کارساز بر حکومت از سوی جامعه مدنی مستقل اعمال می‌شود تا راه هرگونه گریز و انحراف را مسدود کند. تفکیک قوا و نظارت آنها بر یکدیگر نیز در همین راستا قابل تحلیل است.

بازخورد این کتاب در میان طیف علاقه‌مندان حوزه سیاسی چگونه بوده است؟

با توجه به تخصصی بودن موضوع، از سوی حوزه‌های آکادمیک استقبال خوبی از این اثر شد. هرچند نواقص بسیاری در آن موجود است که جای انکار ندارد، اما این کتاب جزو آثار پرفروش پژوهشکده مطالعات راهبردی است. این امر بر مسئولیت مترجمان کتاب افزوده است تا در تجدید چاپ این اثر، ویرایش جدیدی را در دستور کار خود قرار دهند.